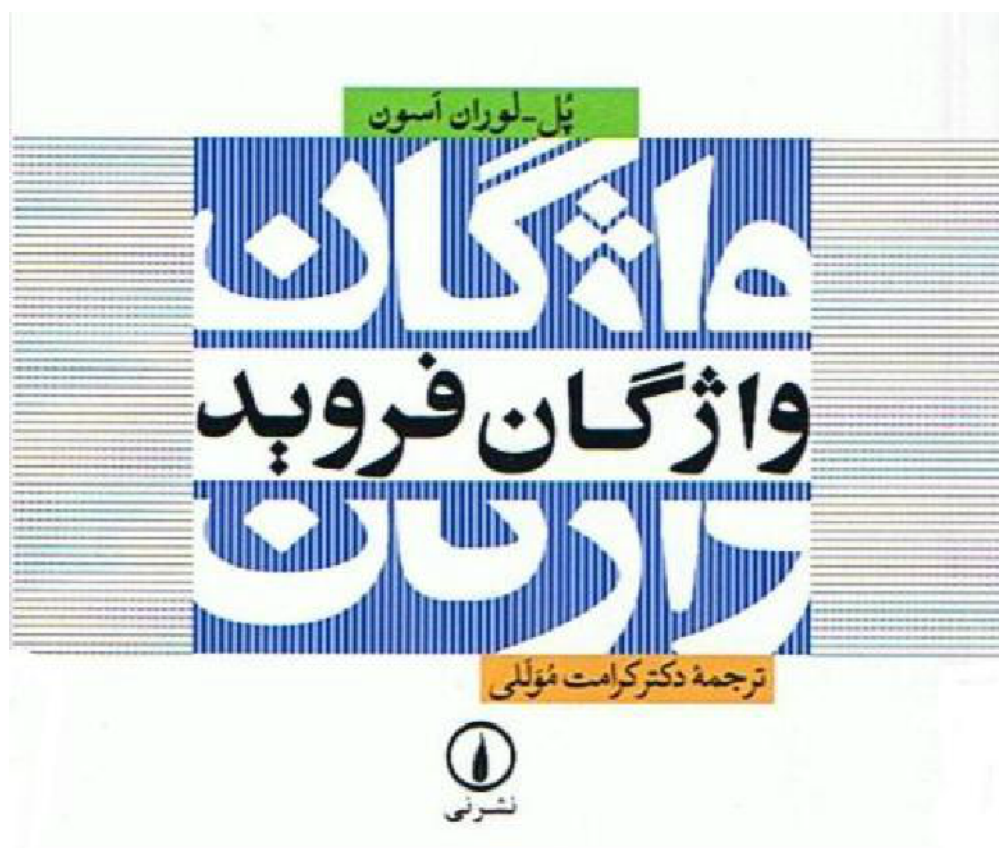




### گفتار مترجم :

در مورد اصطلاحات روانکاوی فرهنگ های متعددی در زبان فرانسه وجود دارد . این خود نه تنها حاکی از اهمیت این علم در فرهنگ فرانسوی است، بلکه نشان دهنده جنب و جوش فوق العاده تحقیقات در این کشور است . خصوصیت کتاب حاضر در این است که اصطلاحات و لغات روانکاوی را با توجه به انعکاس آن ها در زبان و تفکر فلسفی مورد نظر قرار داده است . پل - لوران آسون ، نویسنده کتاب ، یکی از برجسته ترین روانکاوان فرانسوی است . در کتاب حاضر ، وی با وفاداری به این خط مشی سعی بر آن داشته است که اصطلاحات و لغات فنی روان کاوی را باتوجه به آن چه فروید علم ماوراء النفس خوانده است ، تعبیر و تفسیر کند. فروید اصطلاح ماوراء النفس را بر اساس لفظ ماوراء الطبیعه ابداع کرد تا بدین وسیله نشان دهد که بر اساس داده های عینی و بالینی می توان سیستمی نظری از نفسانیات به دست داد که نه تنها بر این داده ها تکیه داشته باشد ، بلکه با ساحت و پرداخت های خود موجب عمق بخشیدن و گسترش هر چه بیش تر دامنه تحقیقات بالینی شود . علم ماوراء النفس مسئله بغرنج رابطه روان کاوی و فلسفه را در خود جمع دارد . فروید به رغم فرهنگ و معرفت عظیم خود ، همواره نظری توأم با سوء ظن به مباحث

فلسفی داشته است و وی در مکاتبات خود با لودویش بیونسونگر<sup>۱</sup> - که بر آن بود تا پلی میان فلسفه هوسرل و هیدگر از یک سو و کشفیات روان کاوی از سوی دیگر ایجاد کند - روان کاوی را عبارت از تحقیقاتی می داند که پیوسته به اقامت در طبقه پایین ساختمان معرفت اکتفا کرده و هیچ گاه بر آن نبوده است تا خود را در طبقات بالای فلسفه جای دهد. شاید بتوان گفت که فاصله گیری فروید از فلسفه نتایجی مثبت برای روان کاوی و به خصوص برای بیماران داشته است. چرا که اگر روان کاوی خود را در دامن مباحثات بی پایان فلسفی درگیر می کرد، نمی توانست این همه در صحنه علمی جهان و به خصوص در طب و روان پزشکی حضور داشته باشد. چنان که تاریخ روان پزشکی در قرن بیستم نشان می دهد، هر گام تجدیدی که در راه رهایی بیماران از یوغ بیمارستان های روانی برداشته شده، نیروی خود را مدیون کشفیات روان کاوی و روش انقلابی آن در ملاحظه اختلالات نفسانی بوده است. چرا که از نظر فروید، تفاوتی کیفی میان انسان سالم و بیمار وجود ندارد. این اصل انقلابی وجهه نظر روان کاوی را از علم پزشکی که متکی بر تفاوت میان سالم و بیمار است، متمایز می سازد. همین امر را در مورد رابطه روان کاوی با روان شناسی نیز به نحو دیگری ملاحظه می کنیم. زبان تک لم که راه اصلی برای کشف ضمیر ناآگاه است، موجب تقریبی خاص در روانکاوی شده که آن را به طرزی قاطع از هر گونه تقریبی در روان شناسی متمایز و متغایر می سازد. رجوع روان کاو به فرد انسانی به عنوان تنها موجودی که واجد زبان تکلم است، او را بر آن می دارد که به آدمی به مثابه شیء بنگرد و او را به موجودی عینی مبدل نسازد. حال آن که اساس روان شناسی را همین تقرب به اصطلاح عینی تشکیل می دهد. تجارب روان کاوی پیوسته موید این امرند که اعمال عینیت در مورد فرد آدمی فریبی بیش نیست و این که علوم انسانی بخواهند حالتی انفعالی به خود بگیرند و روش های علوم دقیقه را در زمینه نفسانیات به کار گیرند، توهّم است. لذا روان کاوی به همان اندازه از روان شناسی تمایز پیدا می کند که از روان پزشکی.

می بینیم که کشفیات روان کاوی موجب پرسش هایی اساسی می شوند که لزوماً نمی توانند از حیطه فلسفه خارج باشند. در این جاست که می توان روان کاوی را حدی میانه بین فلسفه و علوم دانست. وجه فلسفی روان کاوی در کشورهای انگلوساکسون چندان مورد توجه قرار نگرفته است، حال آن که کشورهای لاتینی و در راس آن ها فرانسه توجه بسیاری بدان مبذول داشته اند. در فرانسه تدریس اجمالی روان کاوی جزو برنامه تحصیلی اکثر رشته ها در سیکل دوم دبیرستان است. لذا اصطلاحات و مفاهیم روان کاوی مقولاتی غریب و ناآشنا برای اکثر قریب به اتفاق فرانسوی ها نیستند. این امر ترجمه آثار مربوط به روان کاوی را به زبانی چون فارسی دشوار می کند. چرا که نویسنده فرانسوی

لزوماً در خطاب به خوانندگان خود پیوسته معرفت آن ها را نسبت به این مفاهیم در نظر دارد . در حالی که چنین زبانی در خطاب به خواننده فارسی با مشکلاتی چند مواجه خواهد شد .

اما چنان که پل – لوران آسون خاطر نشان می کند ، آشنایی با اصطلاحات و مفاهیم روان کاوی خالی از اشکال نیست ، زیرا غالباً موجب تحریف و عدم درک صحیح از آن ها شده است . در این جا می توان تصور کرد که عدم آشنایی خواننده فارسی زبان می تواند به عنوان یک مزیت به حساب آید .

انتشار کتاب مبانی روان کاوی ( فروید – لکان ) در دو سال اخیر تجربه ای غنی و آموزنده برای نویسنده این سطور بود . این کتاب نشان داد که با اتخاذ زبانی ساده می توان به ارائه مشکل ترین مباحث روان کاوی همت گماشت بدون آن که صدمه بیش از حدی به دقت علمی آن ها وارد شود . استقبال خوانندگان نیز من را در ارائه این مهم به مراتب تشویق کرد . شش ماهی بیش نگذشت که کتاب نایاب شد و لزوم تجدید چاپ آن به وجود آمد . در این جا لازم می دانم که ارجاع دائم خواننده را به کتاب برای درک بیش تر کتاب حاضر توصیه کنم . خواننده می تواند در عین حال به سایت [www.mocallali.fr](http://www.mocallali.fr) که به منظور آشنایی با روانکاوی ترتیب داده ام ، رجوع کند.

## مقدمه نویسنده :

چگونه می توان مجموعه ای از اصطلاحات فروید را در نظر آورده بصورت کتابی مدون درآورد. تهیه چنین مجموعه ای مبتنی بر بررسی یکایک لغات خواهد بود ، به نحوی که بتواند به طور نسبی معنایی واضح و روشنی را از هر یک از مفاهیم ارائه دهد . از این رو باید دو نکته مقدماتی را مورد پرسش قرار داد ، دو نکته ای که امکان و کاربرد چنین مجموعه ای را به خود مشروط می کنند :

- چه نوع مفهومی در اصطلاحات فروید مد نظر است ؟

- این لغات حاوی چه نوع " منطقی " می توانند باشند؟

### 1. نوع مفاهیم رایج در روانکاوی از نوع برداشت این مفاهیم در فلسفه متمایز است

الف . می توان کار را با ذکر این تناقض شروع کرد : در روان کاوی جایی برای اصطلاحات فلسفی نیست ، چرا که روان کاوی به نحو قاطعی از فلسفه متمایز است .

در کتاب فروید ، فلسفه و فیلسوفان<sup>۲</sup> که می تواند به عنوان پیش درآمدی بر کتاب حاضر تلقی شود ، رابطه این سه مقوله را مورد مذاقه قرار داده ایم . در این کتاب به این مسئله پرداخته شده است که بنا بر چه عناصر دقیقی فروید از فلسفه روی بر می گرداند .

- در وهله نخست فلسفه به معنای رسمی آن و همچنین با توجه به نوع برداشت آن که متکی بر اصل " تقدم ضمیر ظاهر یا وجدان آگاه " است ، پذیرش و کارکرد "فرضیه ضمیر ناآگاه " را مشکل و بغرنج می کند .

- در وهله دوم انگیزه اصلی فلسفه ارائه وجهه نظری متفکرانه نسبت به عالم و آدم<sup>۳</sup> و ایجاد سیستمی کلی و نظری است که اساساً با چالش " علم " که به تفحص در جزئیات می پردازد ، متغایر است . این تغایر را نیز در " علم ضمیر ناآگاه " بدان نحو که روان کاوی مدعی آن است ، مشاهده می کنیم .

ب. موضع فروید را باید مورد تدقیق بیش تری قرار دهیم .

فروید بر سوابق فلسفی تکیه می کند . با توجه به این سوابق است که فرضیات خاص خود را پایه گذاری می کند و راه را به سوی آن ها می گشاید . مطالعه آن چه فروید از مجموعه کلی فلسفه اخذ کرده است ، نشان می دهد که نه

---

1- Paul – Laurent Assoun , Freud , la Philosophie et les Philosophes , PUF , 2<sup>eme</sup> edition , “ Quadrige “ , 1995 .

1- Weltanschauung

تنها به افلاطون و کانت نظری خاص دارد ، بلکه همواره متوجه دو قطبی است که شوپنهاور و نیچه را به یکدیگر مربوط می سازند . در این مورد نیز خواننده می تواند به فروید و نیچه<sup>۴</sup> اثر نگارنده رجوع کند . نویسنده در این کتاب اهمیت مواجه ساختن این دو متفکر را با یکدیگر نشان می دهد . البته این مهم را باید با توجه به پیچیدگی موجود در نوع خاص مفاهیم روان کاوی که از تفکر نیچه بسیار متأثر است ، در نظر گرفت .

لذا این نوع برداشت فلسفی در بطن روان کاوی کارگزاری خاصی پیدا میکند. ولی این برداشت در جهت مفاهیم روان کاوی به کار گرفته می شود و به نحوی آگاهانه از وجهه نظر فلسفی انحراف پیدا می کند . به علاوه ، نحو نفوذ مفاهیم روان کاوی در مسائل فلسفی تأثیراتی خاص در آن ها ایجاد می کند که از لحاظ فلسفی می تواند مشخص و معین شود .

ج . برای روان کاوی هیچ چیز زبان بخش تر از این نیست که بخواهیم مفاهیم آن را که بنا بر تجارب بالینی و عملی با افراد تحت روان کاوی حاصل آمده اند ، در مقولات فلسفی " حل " کنیم . با توجه به چنین امری می توان گفت که نه تنها تدوین یک فرهنگ لغات فلسفی در مورد اصطلاحات روان کاوی ضروری به نظر نمی رسد ف بلکه این خطر را در برخواهد داشت که آن چه را که روان کاوی خود به دست آورده است ، مورد رد و انکار قرار دهیم . لذا مفاهیم روان کاوی از حوزه مفاهیم نظری فلسفه فاصله می گیرند و حالتی تجربی پیدا می کنند ، تجربه به معنای آن چه از کار بالینی با افراد تحت روان کاوی حاصل می شود . مسئله به مفاهیمی مربوط است که بر حسب کار بالینی روی عوارض بیماری و استماع سخن بیماران حاصل می آیند و جزو " کشفیات " فروید محسوب می شوند . فروید خود را به ماجراجویانی تشبیه می کند که به کشف قاره امریکا نائل آمدند . این گونه کشفیات هستند که به همت او صورت توجیهی پیدا کرده و مفاهیم روان کاوی را تشکیل داده اند .

## 2. مفاهیم روان کاوی با اتکاء بر " علم ضمیر ناآگاه " از مقولات علمی متمایز می شوند .

الف . تناقض بعدی مربوط به رابطه روان کاوی با علوم دقیقه است . روان کاوی به عنوان علم ضمیر ناآگاه از وجهه نظر فلسفی فاصله می گیرد و ضمیر ناآگاه را در زمینه علوم وارد می کند و از این طریق موجب دگرگونی سیستم رسمی این علوم می شود .

روان کاوی از یک سو به ایده آل توجیهی " روان شناسی علمی " که در اواخر قرن نوزدهم شکل یافت ، می پیوندد ( در این مورد خواننده را به مقدمه بر روش شناسی فروید<sup>۵</sup> ارجاع می دهیم ) ، ولی از سوی دیگر مفاهیم خود را از تجارب خاص خود ، یعنی از یافته های بالینی در مورد فرایندهای نفسانی ناآگاه ، شروع میکند و آن را پرورش می

2- Paul – Laurent Assoun , Freud et Nietzsche , PUF , 1980 , “ Quadrige “ , 1997 .

1- Paul – Laurent Assoun , Introduction a l'epistemologie freudienne , Payot , 1981 , 1990 .

دهد و از اطاعت از هر نوع عقلانیت دیگری سرباز می زند ، حال خواه این سیستم عقلانی فلسفی باشد یا علمی ، یعنی علوم دقیقه یا علوم مربوط به انسان ( زیست شناسی و غیره ) . می توان این شعار معروف را که به موجب آن روان کاوی تنها به خود اتکاء دارد ، در مورد ساختن مفاهیم مختص به روان کاوی نیز صادق دانست چرا که این مفاهیم را شخص فروید و برای علم روان کاوی فراهم کرده است .

ب . در این جا باید نکته مهمی را افزود و بحث را کامل کرد . عقلانیتی مختص به روان کاوی وجود دارد که فروید آن را " علم ماوراء النفس " <sup>۶</sup> می خواند . برای درک این مهم خواننده را به مقاله مربوط در کتاب حاضر ارجاع می دهیم . ماوراء النفس یکی از ارکان مهم در نظریه روان کاوی است و آن را نه به " روان شناسی " به معنای رایج آن می توان تاویل کرد و نه به ماوراء الطبیعه . چرا که ماوراء النفس در واقع نوعی طرح و سیستم میان ماوراء الطبیعه و روان شناسی علمی است .

ماوراء النفس دانشی نظری است که بر اساس کار واقعی با بیماران حاصل شده و فرایندی است که به ورای ضمیر آگاه رهنمون می شود و لذا به ورای روان شناسی به معنای اخص آن اشاره دارد . علم ماوراء النفس را باید به عنوان " روان شناسی ضمیر ناآگاه " منحصر به دانشی ورای روان شناسی دانست . هم از این روست که اصطلاحات فروید لزوماً اصطلاحاتی ماوراء النفسانی اند .

### 3. هر گونه تعریف و تحدیدی از مفاهیم روان کاوی ماهیتی ماوراء النفسانی دارد و به کاری خلاقانه در زمینه زبان می انجامد

این اصل پایه ای اصلی و موثق برای تدوین مجموعه ای از اصطلاحات فروید فراهم می آورد .

الف . اصطلاحات فروید هر یک بیانگر مفهومی است که ترکیبی موجز از سلسله " روابطی را به دست می دهد که از واقعیات بالینی و منحصر به فرد اشخاص تحت روانکاوی اخذ شده اند . بدان معنا که هر یک از مفاهیم سرگذشتی خاص خود دارد و بر اساس آن ساخته و پرداخته شده است . از این روست که تعیین زمان و تاریخ پیدایش آن ها امری لازم است . باید همواره توجه داشت که هر اصطلاح تا حد امکان به طور دقیق تعریف شده و بیانگر حرکتی باشد که در

---

1- " چنان که می دانیم مابعد الطبیعه ارسطو - که مسامحه ماوراء الطبیعه نامیده شده است - رساله ای است که بعد از کتاب علم الطبیعه او نگاشته شده و به همین علت نامی این چنین به خود گرفته است . اصطلاح مابعد الطبیعه رفته رفته جای خود را به جهت موضوع اصلی بحث خود - ماورای طبیعت - به ماوراء الطبیعه داده است . فروید بر اساس این مفهوم ، اصطلاح ماوراء النفس Metapsychologie را ابداع کرد که حاوی مفاهیمی است که در حد فرضیات مانده و هنوز به صورت تجربی اثبات نشده اند " . ( مأخوذ از کتاب مبانی روانکاوی / فروید - لکان ) ، نوشته دکتر کرامت مولی ، نشر نی ، 1383 ، ص 328 ) .

بطن " انکشاف " و تحقیق پدید آمده است . لذا گر چه هر تعریف فاقد قاطعیتی مطلق است ، ولی این عدم قاطعیت به خصوصیت آن به عنوان مفهومی پایه ای لطمه وارد نمی آورد .

ب . هر یک از مفاهیم فروید جزئی از یک سیستم کلی است ؛ البته نه به معنای مقوله ای نظری که حاصل از ساختمانی متفکرانه باشد ، بلکه به معنای عنصری از یک شبکه منسجم از مفاهیم . هم از این روست که فروید علم ماوراء النفس را عبارت از " توضیح و تعمق بخشیدن به نظراتی مفروض می داند که میتوانند شالوده سیستم روان کاوی به حساب آیند " .

ج. علم ماوراء النفس ایجاب می کند به مطالعه زبان تکلم بپردازیم تا بدین نحو این علم خاص را نیز حاوی زبانی مختص به خود کنیم .

- یک بار دیگر باید تناقضی را که پایه اصطلاحات روان کاوی است ، مورد نظر قرار دهیم . علیرغم این که این اصطلاحات همگی به عنوان لغات فنی روان کاوی شناخته شده اند و جزو زبان خاص این علم هستند و غالباً مورد تقلید قرار گرفته اند ، مع الوص فروید آن ها را با توجه به کاربرد طبیعی شان در زبان رایج اخذ کرده است ؛ البته با تعریفی مجدد از آن ها که با کاربردشان در علم ماوراء النفس همخوانی داشته باشد . این امر را در اصطلاحاتی چون عمل ، عشق ، اضطراب ، تعارض ، احساس گناه و دفاع به خوبی ملاحظه می کنیم .

به کرات پیش می آید که فروید کلمه ای رایج را از زبان می گیرد و بدان جهتی می بخشد که به صورت اصطلاحی خاص برای او در می آید . از آن جمله است اصطلاح " آشنا غریبی " که در زبان آلمانی تعبیری رایج و متعلق به زبان معمولی است .

- بعضی از اصطلاحات فروید کاربردی قبل از او داشته اند و از حوزه روان شناسی - فلسفی ماقبل او به عاریت گرفته شده اند . این گونه اصطلاحات یا به نویسندگانی قبل از او و یا به حوزه های فکری خاصی تعلق دارند که البته در بطن زبان روان کاوی تعریفی جدید یافته و گویی دوباره " ابداع " شده اند . از آن جمله است لغاتی چون احوال قلبی<sup>۷</sup> ، دوگانگی احساسات<sup>۸</sup> ، این و آن نفسانی<sup>۹</sup> ، ضمیر آگاه ، ساخت و پرداخت های نظری<sup>۱۰</sup> ، نفی اثباتی<sup>۱۱</sup> ، نقض ، دینامیسم ، اقتصاد نفسانی ، فانتسم ، ضمیر ناآگاه ، لیبدو ، نارسسیسم ، نوروز ، مطلوب عشق<sup>۱۲</sup> ، رانش<sup>۱۳</sup> ، واپس زدگی یا دفع امیال ، تکرار ، تصورات ، رویا ، مَن نفسانی<sup>۱۴</sup> ، انحراف جنسی ، ترس بیمارناک ، فاعل نفسانی ، عوارض بیماری ، توپیک<sup>۱۵</sup> .

---

1- Affects

2- Ambivalence

3- Le ca

4- Construction

5- Denegation

6- Objet

- گاه نیز فروید لازم می داند که از کاربرد قدیمی لغات فاصله بگیرد و با نوآوری های خود اصطلاحاتی فنی را به کاربرد که قبل از او مورد استفاده قرار نگرفته اند. از آن جمله است اصطلاحاتی چون: تداعی آزاد معانی<sup>۱۶</sup>، استماع شناور<sup>۱۷</sup>، انفصام من نفسانی<sup>۱۸</sup>، عقده ادیپ، عقده محرومیت از ذکر، ایماگو<sup>۱۹</sup>، علم ماوراء النفس، رانش مرگ، روان کاوی، واقعیت نفسانی، فرامن<sup>۲۰</sup> یا نفس لواحه، انتقال قلبی<sup>۲۱</sup>.

باید توجه داشت که فروید تنها هنگامی به جعل کلمه خاصی که از زبان معمولی بیگانه است، می پردازد که چاره ای دیگر نمی یابد، یعنی هنگامی که مفهوم مورد نظرش نه در زبان رایج وجود دارد نه در زبان فنی (فلسفی، روان شناسی، ...) در این مورد قبل از همه باید نوآوری او را در مورد اصطلاح "روان کاوی" در نظر آورد که معرف روشی کاملاً جدید و نوعی نوآوری است که میتوان گفت تنها به خود ارجاع دارد، چرا که تنها فروید بدان وجود خارجی بخشیده است.

4. با توجه به این نکات انتقادی است که چنین مجموعه ای از اصطلاحات فنی می تواند اهداف خود را مشخص کند؛ بدین معنی که بر آن شود تا از طریق درک مفاهیم موجود در این مجموعه و توسعه آن ها ماهیت زنده، دقیق و علمی لغات روان کاوی را به خواننده مسترد کند.

الف. بدیهی است که فروید به معنای واقعی کلمه واجد مجموعه اصطلاحاتی خاص خویش است که عبارت از مجموعه لغاتی است که خاص شاخه ای از علوم هستند و نام روان کاوی به خود گرفته اند. وانگهی روان کاوی در لغت شناسی جای خود را باز کرده است، چرا که کاربرد خاص بعضی از کلمات را که روان کاوی بدان ها معنایی دیگر بخشیده در فرهنگ های معمولی که برای عموم تدوین شده اند، مشاهده می کنیم. رواج بعضی از اصطلاحات - که البته حاکی از مقاومت در مقابل محتوای واقعی روان کاوی هستند - به نوعی احساس آشنایی کاذب منجر می شود، به نحوی که لازم است به کاربرد خاص و دقیق آن ها باز گردیم و هر گونه سوء تفاهمی را از میان برداریم. شکی نیست که مجموعه ای از "الفاظ" وجود دارند که حاوی معانی خاصی هستند و در جمع خود "زبان" روان کاوی را تشکیل می دهند. خالق آنها، یعنی زیگموند فروید، این کلمات را که واجد معانی خاص و به طور علمی قابل تعریف هستند، وضع

---

7- Pulsion

8- Le moi

9- Topique

10- Association libre

11- Ecoute flottante

12- Clivage du moi

13- Imago

1- Le surmoi

2- Transfert



کرده است . ولی دقت موجود در این اصطلاحات با این امر متناقض نیست که پایه و کاربرد آن ها مبتنی بر واقعیتی متحرک و دینامیک باشد .

ب . اصطلاحات فروید جزء لایتجزایی از مجموعه ای کلی از مفاهیم هستند که دوران معاصر را تحت تاثیر قرار داده اند. لازم است توجه داشته باشیم که لغات مورد نظر چگونه از زبان معمولی گرفته شده یا از طریق عاریت از روان شناسی یا فلسفه به دست آمده اند تا معنایی خاص را تثبیت و منسجم کنند .

لازم است که هر مفهوم را در سلسله مفاهیم مشخص و بارزی که بدان تعلق دارد ، جای دهیم . لذا علامت ستاره ( \* ) مشخص می کند که این اصطلاح به چه مقولاتی ارجاع دارد . این علامت نه تنها به اجزای ساده ای که بدان مربوط اند ، اشاره دارد ، بلکه حاکی از حلقه زنجیره های تشکیل دهنده آن هاست . لذا خواننده می تواند عمل متقابل دال و مدلول را با توجه به معانی آن ها در منطق کلی ارجاع اصطلاحات به یکدیگر دریابد . خواننده برای اطلاعات بیش تر و ادامه مطالعات خود می تواند به کتاب روان کاوی <sup>۲۲</sup> به قلم نویسنده رجوع کند .

ج. با توجه به ملاحظات قبلی ، هر مقاله را که راجع به مفهوم خاصی نوشته شده واجد سه بعد یا سطح است : اولین سطح مطالعه ( \* ) تعریف کلی و موجز از مفهوم مورد نظر به دست می دهد و مشخص می کند که کاربرد فروید از آن چگونه است ، چه از لحاظ معنای معمولی آن و چه از جهت ریشه و منشاء آن .

سطح دوم ( \*\* ) بی آن که وارد جزئیات شود ، نشان می دهد که مفهوم مورد نظر چه تحولاتی یافته است و چه رابطه متقابلی با دیگر مفاهیم فروید دارد و همچنین نتایج حاصل از آن در بطن کلی حوزه روان کاوی چیست .

سطح سوم ( \*\*\* ) نشان دهنده آن است که به چه جهت مفهوم مورد نظر از کاربرد خود در زمینه روان شناسی — فلسفه جدا شده است . بدین معنی که چه امری را از لحاظ مسائل فکری تغییر داده است .

مرجع یا مراجع اصلی آثار فروید در رابطه با مفهوم مورد نظر در آخر هر مقاله ذکر شده است . همچنین است ذکر مراجعی که مربوط می شوند به تعبیر و تف سیر آثار ذکر شده در مقالات و کتبی که خود نگارنده به طبع رسانده است . در سطور زیر به ذکر این مقالات می پردازیم تا خواننده برای ادامه مطالعات خود بتواند بدان ها رجوع کند .

- برای ارائه مفاهیم و اطلاعات ضمیمه آن ها به کتاب روان کاوی به قلم نگارنده رجوع شود .
- برای ارائه کلی مفاهیم به علم ماوراء النفس می توان به کتابی به همین نام <sup>۲۳</sup> رجوع کرد .
- برای مطالعه تفصیلی مفاهیم متعلق به علم ماوراء النفس به کتاب مقدمه ای بر ماوراء النفس فروید <sup>۲۴</sup> رجوع شود .

---

1- Paul – Laurent Assoun , psychanalyse , PUF , “ Premier Cycle “ , 1997 .

1- Paul – Laurent Assoun , La metapsychologie , PUF , “ Que sais – je ?” No , 3581 , 2000 ) note Met ).

1- Paul- Laurent Assoun , Introduction a la metapsychologie freudienne , PUF , “ Quadrige “ , N° 151 , 1993 ( note IMF )

د. مفاهیم فروید روی هم رفته اصطلاحاتی فنی هستند که لازم است در وهله اول آن‌ها را فی‌نفسه و تا آن‌جا که امکان دارد، به‌طور دقیق و علمی تعریف کرد و در مرحله بعدی تاثیر آن‌ها را در بطن کلی مفاهیم روان‌کاوی روشن ساخت. این مفاهیم در دانستی‌های ما به‌عنوان افراد عادی تاثیراتی بسزا گذاشته‌اند، به نحوی که دیگر نمی‌توان واقعیات موجود را به‌صورتی که قبل از ابداع مفاهیم فرویدی داشته‌اند، درک کرد. ذکر چنین امری برای اجتناب از انحراف در کاربرد خاص مفاهیم لازم است و حاکی از آن است که باید در مورد روان‌کاوی تا آن‌جا که امکان دارد، با دقت علیم صحبت کرد و از کاربرد "من درآوردی" یا تحریف شده آن‌ها پرهیز کرد. این دستورالعملی است برای دانشی‌زنده همچون روان‌کاوی. بدین طریق است که ره‌آورد فروید به‌عنوان نویسنده و متفکر در افق اندیشه آشکار خواهد شد، اندیشه‌ای که تحت سلطه ضمیر ناآگاه واقع خواهد شد.